

راهنمای متون کلاسیک

راهنمای خواندن

بنیادگذاری مابعدالطبیعه اخلاق، کانت

پل گایر

ترجمه سید علی تقوی نسب



بین‌الترتیب‌نامه‌ای است از

## Kant's Groundwork for the Metaphysics of Moral: A Reader's Guide

Pual Guyer  
Continuum, 2005

سرشناسه : گایر، پل

عنوان و نام پدیدآور : راهنمای خواندن بنیادگذاری مابعدالطبیعه اخلاق

کانت / پل گایر؛ ترجمه سیدعلی تقوی‌نسب.

مشخصات نشر : تهران : ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۲۷۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۳۲-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴-۱۸۰۴ م. مابعدالطبیعه اخلاق نقد و تفسیر

موضوع : اخلاق

شناسه افزوده : تقوی‌نسب، سیدعلی، ۱۳۶۷-، مترجم

رده بندی کنگره : B۲۷۶۶ ی / ۱۳۹۶ گ ۷ ی

رده بندی دیویی : ۱۷۰

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۲۸۸۲۰

هنمای خواندن

'بنیادگذاری' امام طحیبه 'سید تقی' کانت

نویسنده: پیر گاد

مترجم: سید علی تقوی

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: مرضیه آر، بیور

طراح جلد: محمود منفرد

تصویرساز روی جلد: سجاد شاه منصور

صفحه آرا: محمد امین عموهاشمی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ترجمان: تهران، خیابان نجات‌اللهمی، خیابان اراک،

بلاک ۴۶، طبقه ۴، تلفن: ۸۸۸۰۲۰۹۰

پست الکترونیک: [publication@tarjomaan.com](mailto:publication@tarjomaan.com)

حقوق چاپ و نشر در قالب‌های کاغذی،

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

• فهرست •

- سخن ناشر / ۹  
مقدمه مترجم / ۱۳  
منابع و علامت‌های اختصاری / ۱۹

— [۱] —

- زمینه / ۲۳  
زندگی و آثار کانت / ۲۳  
۲. فلسفه اخلاق در زمانه کانت / ۳۱

— [۲] —

- نمای کلی / ۳۹  
۱. خودآیینی و اخلاق / ۳۹  
۲. خودآیینی و قواعد / ۴۶  
۳. ارزش خودآیینی / ۵۰  
پرسش‌های تمرینی / ۵۶

— [۳] —

- مطالعه متن: مقدمه / ۵۷  
۱. تاب بودن فلسفه اخلاق / ۵۷  
۲. عقلانیت اخلاق / ۶۳  
۳. نیاز به فلسفه اخلاق / ۶۶  
۴. روش فلسفه اخلاق / ۶۹  
پرسش‌های تمرینی / ۷۴

— [۴] —

مطالعه متن: بخش اول؛ از اراده خوب تا ضابطه قانون کلی / ۷۵

۱. مقدمه / ۷۵

۲. اراده خوب / ۷۶

۳. عمل از برای وظیفه / ۸۰

۴. ملاحظات انتقادی بخش اول بنیادگذاری / ۱۰۰

پرسش های تمرینی / ۱۱۸

— [۵] —

مطالعه متن: بخش دوم؛ صورت بندی امر مطلق / ۱۱۹

۱. مقدمه / ۱۱۹

۲. از امر مطلق تا صورت بندی امر مطلق / ۱۲۵

۳. مبنای استدلال کانت / ۱۷۳

۱. به کار بستن امر مطلق / ۱۹۰

۲. و ایضا کامل و ناقص / ۲۱۹

۳. پرسش های تمرینی / ۲۲۶

پرسش های تمرینی / ۲۳۵

— [۶] —

مطالعه متن: بخش سوم؛ امر مطلق بر ما اعمال می شود / ۲۳۷

۱. آیا امر مطلق بر ما اعمال می شود؟ / ۲۲۱

۲. کارویژه بخش سوم / ۲۴۲

۳. برهان متافیزیکی بخش سوم / ۲۵۳

۴. از ضرورت متافیزیکی به ایدئال اخلاقی / ۲۶۳

پرسش های تمرینی / ۲۷۶

پی نوشت ها / ۲۷۷

واژه نامه / ۲۸۹

نمایه / ۲۹۵

## مقدمه مترجم

بنیادگذار (۱) مابعدالطبیعه اخلاق نخستین بار در سال ۱۳۶۹ با ترجمه مسئولانه و ارزشمند شادروان دکتر حمید عنایت و جناب آقای دکتر علی قیصری، و با عنوان بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق به فارسی بازگردانده شده است و خوشبختانه ویراست بنیاد این کتاب در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ در اختیار خواننده فارسی زبان قرار گرفته است. بعید می دانم کسی نشر دیریاب کانت و دشواری های آن را بداند و حاصل کار مترجم را شایسته و درخور تحسین نداند.

کتاب پیش رو، همانند سایر کتب مجموعه راهنمای خواندن انتشارات کانتینیوم، اساساً با این قصد نوشته شده است که دو ستادین فلسفه از طریق آن بتوانند راهی برای مواجهه با متن اصلی بنیادگذاری مابعدالطبیعه اخلاق بیابند. لذا خواننده زمانی بیشترین فایده را از کتاب حاضر خواهد برد که آن را در کنار متن اصلی مطالعه کند. در ترجمه متون فلسفی، سنتاً مترجمان در مواجهه با هر فیلسوف خاص و برای برگردان مفاهیم آن فیلسوف، بنا به صلاح حدس می زدند، معادل فارسی برمیگزینند؛ در نتیجه عجیب نیست که برای فارسی سخن گفتن از نظریات فیلسوفی خاص همچون کانت هیچ زبان واخدی وجود ندارد. باید اذعان کنم، در غیاب انباشت زبان فلسفی فارسی واحد و در غیاب اجماع بر

۱. کانت، ایمانوئل، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق؛ گفتاری در حکمت کردار، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، خوارزمی، چاپ دوم (ویرایش جدید)، ۱۳۹۴.

سر صواب و ناصواب، اگر ماهیت خاص این متن ایجاب نمی‌کرد، من هم یکسره به صلاحدید خود رجوع می‌کردم. با این حال، چنان‌که گفته شد، با توجه به اینکه کتاب پیش رو قرار است خواننده را برای مواجهه با متن اصلی بنیادگذاری مابعدالطبیعه اخلاق آماده کند، من نیز در ترجمه نقل قول‌های کانت ترجمه فارسی این اثر را ملاک خود قرار دادم. اتخاذ این رویکرد گرچه راه را بر بسیاری از تدقیق‌ها یا تفنن‌های واژگانی از جانب من خواهد بست، اما شادانم که برای خواننده بیشترین فایده را در پی خواهد داشت. با این حال، علم‌رسم تلاشم برای وفاداری به ترجمه فارسی بنیادگذاری، در مواجهه با پاره‌ای از مفاهیم، مناسبت‌ها و دلایل مختلفی که در ادامه آمده است، چاره‌ای جز اعمال تغییر در ترجمه فارسی برخی مفاهیم نیافتم. مفاهیم ذکرشده با علامت خط زیرین در کتاب من خط‌شده‌اند تا خواننده بتواند به راحتی تشخیص دهد که دقیقاً برای کدام مفهوم تفاوتی متفاوتهای مترجم فارسی بنیادگذاری اختیار کرده‌ام (مثلاً امر مطلوب به جای بایسته تأکید). در ادامه، فهرست این مفاهیم را آورده‌ام و دلایلم را بر آن برآوردید. معانی متفاوت بیان کرده‌ام. ضمناً در برخی موارد رسم الخط و نشانه‌های نگارشی ترجمه فارسی بنیادگذاری را بنا به ضرورت یکدستی متن تغییر داده‌ام.

۱. محرک (Incentive/Triebfeder) / انگیزه (motive/ Beweggrund) / سائقه (antrieb/impulse)

این سه مفهوم را باید از یکدیگر تفکیک کرد. کانت از سه معنای «انگیزه» (motive) و «محرک» (incentive) تمایز می‌نهد («محرک» بنیاد سوبرکتیو خواهش (desire) و انگیزه بنیاد ابرکتیو خواست (volition) است» بنیادگذاری، 4:427). هر دو این‌ها غایاتی را برای تعیین اراده مهیا می‌کنند، منتها یکی غایتی سوبرکتیو و دیگری غایتی ابرکتیو. بر اساس این تمایز، «محرک» یعنی خواهشی سوبرکتیو که غایات مادی آن را تعیین بخشیده‌اند. کانت در نقد عقل عملی محرک را به‌عنوان «بنیاد سوبرکتیو تعیین اراده» تعریف می‌کند. در این معنا «محرک» تنها به موجوداتی تعلق دارد که عقلشان ضرورتاً با قانون ابرکتیو مطابقت

ندارد، یعنی موجوداتی که قوانین اخلاق را در صورت «باید» درک می‌کنند.<sup>۱</sup> متأسفانه بازگردان این مفاهیم در ترجمه فارسی بنیادگذاری مغشوش است. motive در اکثر موارد به «انگیزه» و در برخی موارد به «محرک» ترجمه شده است. impulse در تمامی موارد به «انگیزه» یا «انگیزش» ترجمه شده است. incentive در اکثر موارد به «انگیزه» و گاه به «گرایش» یا «تأثیر» ترجمه شده است. در متن پیش رو، تمام این مفاهیم را به شیوه‌ای یکسان ترجمه کرده‌ام.

## ۲. کلیت (generality/Allgemeinheit/عمومیت) / generalitas

در معنای گسترده، هیچ‌یک یا احکامی را می‌توان کلی دانست که برای هر تجربه‌ی ممکنه معتبر باشند. کلیت در معنای فنی‌اش همواره با ضرورت به کار می‌رود و این دو با هم نشانه‌ی انشایی پیشین‌اند.<sup>۲</sup> کانت اعتقاد دارد که تجربه به هیچ‌روی نمی‌تواند موجد «کلیت» باشد و بر آن دانش تجربی صرفاً به دست دادن «عمومیت» (generality/generalitas) است (رک: بنیادگذاری، 4:424). در ترجمه فارسی بنیادگذاری، این معنی برعکس نشده است. البته درست است که کانت در تمامی موارد این تمایز را رعایت نمی‌کند، با این حال، در متن general و مشتقات آن را، مانند generalitas به «عام» و «عمومیت» ترجمه کرده‌ام و universal و مشتقات آن را، مانند universal، به «کلی» و «کلیت»<sup>۳</sup>.

## ۳. گرایش (propensity/hang)

این واژه در ترجمه فارسی بنیادگذاری، علی‌رغم اشاره به تفاوت آن با «ميل» (inclination)، به «گرایش» و «ميل» و «رغبت» بازگردانده شده است. کانت در دین در درون مرزهای عقل صرف گرایش را چنین تعریف می‌کند:

1. Holzhey, Helmut and Mudrochm, Vilem, *Historical Dictionary of Kant and Kantianism*, The Scarecrow Pres 2005, p. 150

2. Ibid, p. 282

۳. رک: هوفه، انفرید، قانون اخلاقی در درون من، تألیف و ترجمه رضا مصیبی، نی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲.

«منظور من از گرایش (propensio) بنیاد سوپزکتیو امکان میل است». <sup>۱</sup> به نزد کانت، «گرایش در سطحی عمیق تر از 'میل' عمل می‌کند... گرایش آن کشش پیشین سوژه انسانی به خواست لذت بردن است که تنها آنگاه که عنصر تجربی نیز به آن افزوده شود 'میل' را ایجاد می‌کند. کانت چنین مثال می‌زند که همه انسان‌ها فی‌المثل به مواد نشئه‌آور گرایش دارند، هرچند که بسیاری از آن‌ها اصلاً این مواد را نمی‌شناسند و تجربه نکرده‌اند، و درست به همین دلیل هنوز نم‌توانند 'خواهشی' و به طریق اولی 'میلی' نسبت به آن‌ها داشته باشند».<sup>۲</sup>

### ۱. امر مطلق (categorical imperative) / امر مشروط (hypothetical imperative)

این دو واژه در ترجمه فارسی بنیادگذاری، به ترتیب، به «بایسته تأکیدی» و «بایسته فرضی» بازگردانده شده‌اند. به دو دلیل ترجیح دادم که از معادل «امر مطلق» و «امر مشروط» برای بیان این دو مفهوم استفاده کنم: نخست اینکه، در باب ترجمه این دو مفهوم به «امر مطلق» و «امر مشروط» اتفاق نظری پیدا آمده و استفاده از معادل‌های دیگر می‌توانست گمراه‌کننده باشد؛ دیگر اینکه، این دو معادل گنگ و گیج‌کننده هستند. از یک سو، بایسته به معنی امر لازم و واجب است نه امر یا فرمان، از دیگر سو، تأکیدی و فرضی نمی‌توانند تقابلی بین این دو دسته امر را نشان دهند و جداً دچار ابهام معنایی‌اند.

### ۵. سوپزکتیو (subjective) / ایزکتیو (objective)

مترجمان بنیادگذاری این دو واژه را به «ذهنی» و «عینی» ترجمه کرده‌اند. واژه‌های «ذهنی» و «عینی» دلالت‌های گمراه‌کننده‌ای برای مخاطب فارسی‌زبان دارند (منسوب به جهان خارج و جهان ذهن) که او را از معنای اصلی دور می‌کنند. علاوه بر این ابهام‌آفرین‌اند (مثلاً در تعبیر «موانع ذهنی» (ص ۳۹ ترجمه فارسی) معلوم نیست «ذهنی» به کدام معنا به کار رفته است، منسوب به ذهن یا

1. Immanuel Kant, *Religion within the Boundaries of Mere Reason*, translated and edited by Allen Wood and George Di Giovanni, Cambridge University Press, 1998, p. 52

۲. رک: هوفه، اتفرید، اصطلاح‌نامه توضیحی مترجم در قانون اخلاقی در درون من، نی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸.

سوپرکتیو). به همین دلیل ترجیح دادم تا از همان «سوپرکتیو» و «ایرکتیو» استفاده کنم.

#### ۶. ماکسیم (maxime/maxim)

کانت خود در بنیادگذاری ماکسیم را چنین تعریف می‌کند: یک ماکسیم اصل سوپرکتیو عمل کردن است و باید آن را از اصل ایرکتیو، یعنی قانون اخلاق، متمایز ساخت (4:421). در ترجمه فارسی، این واژه به «آیین رفتار» بازگردانده شد. اما ماکسیم به نزد کانت معنایی منحصر به فرد دارد و در واقع نوع خاصی از قواعد، اصطلاح آیین‌های رفتار است. به همین دلیل و نیز برای برجسته‌سازی این ریزه و توجه دادن خواننده به اهمیت فوق‌العاده آن، ترجیح دادم تا از همان ریزه «کسی» استفاده کنم.

#### ۷. اراده (will/wille)

این واژه در ترجمه فارسی بنا به ضربت متن به «اراده»، «خواست» و حتی «نیت» ترجمه شده است. اما به نظر، درست می‌آید خود واژه «اراده» وافی به مقصود است. به همین دلیل و برای یکدستی متن و نیز اجتناب از گمراهی خواننده، در تمامی موارد این واژه را به «اراد» و مشتقات آن ترجمه کرده‌ام.

#### ۸. خواهش (Begierde / desire)

این واژه در ترجمه فارسی به «آرزو» یا «خواهش» ترجمه شده است. با توجه به دلالت‌های معنایی گمراه‌کننده واژه «آرزو» در تمامی موارد آن به «خواهش» یا «خواست» بازگردانده‌ام.

#### ۹. ظنی (problematic) و تحقیقی (Assertoric)

این دو واژه در ترجمه فارسی به ترتیب به «مشکوک» و «جزمی» بازگردانده شده‌اند. چنان‌که استاد فولادوند تذکر داده‌اند، این دو معادل به هیچ‌عنوان مناسب نیستند: «مطابق بخش‌بندی احکام برحسب مقولات در کانت، هر حکم از حیث جهت (modality) یا احتمالی و ظنی (problematic) است یا تحقیقی (Assertoric) یا ضروری (necessary). حکمی احتمالی یا ظنی است

که امکان منطقی داشته باشد (نه تجربی). این اصطلاح را کانت به زمینه اخلاق نیز تسری داده است، چنان‌که از سیاق عبارت می‌بینیم. بنابراین، واژه 'مشکوک' که در ترجمه فارسی بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق (ص ۵۰) به کار رفته نادرست و مغایر با مقصود کانت است.<sup>۱</sup>

#### ۱۰. دوران‌اندیشی، مصلحت‌اندیشی (prudence/Klugheit)

در ترجمه فارسی معادل «احتیاط» برای این ترم به کار رفته است که جداً گمراه‌کننده است و دچار «خطای واژگانی» است؛ به همین دلیل آن را به دوران‌اندیشی و «مصلحت‌اندیشی» برگردانده‌ام که با کاربرد کانت قرابت بیشتری دارد (ک: تریف خود کانت از این واژه در بنیادگذاری، 4:416).

علی تقوی‌نسب

زمستان ۱۳۹۶

۱. سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴.